

سخنرانی

آقای محمد مهران

در باره

شورشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تاریخ خط در ایران

## تاریخ خط در ایران

« ما بعظمت باستانی و میراث گرانبهای نیاکان خود می‌بالیم  
زیرا این میراث پرافتخار که کمتر ملتی در جهان از نظیر آن  
برخوردار است برای ما نیرو و منبع الهامی برای ساختن ایران  
آینده است ... »

« از پیام شاهنشاه بمناسبت آغاز برنامه انتشاراتی کشور »

۲۹ آذرماه ۱۳۳۸

« رژیم در خطر است که طبیعی نباشد در صورتیکه رژیم ایران  
یک رژیم طبیعی است که از دوهزار و پانصد سال پیش تا کنون  
برای ما باقی مانده است »

« از سخنان شاهنشاه در باشگاه روزنامه نگاران فرانسه »

۲۶ مهرماه ۱۳۴۰

# تاریخ خط در ایران

مقدمه :

بدوآ باید دینی را که بر عهده دارم بنام حسن مطلع اداکنم و از عنایت و لطف جناب آقای دکتر معتمدی رئیس محترم دانشگاه اصفهان که از دانشمندان بنام سرزمین ایران در عصر حاضر میباشند سپاسگزاری نمایم زیرا من ناقابل را بچنین مجلس فاخر و عظیمی که از استادان گرانمایه و ارباب فضیلت و دانش و دانشجویان فرزانه و اصحاب بصیرت و بینش تشکیل شده است بموجب نامه زرین خامه دعوت فرموده و به بیان موضوع تحقیقی مأمور نموده‌اند چه خوش گفته است ابوحنیفه اسکافی شاعر قرن پنجم :

نامه نعمت ز شکر عنوان دارد      بتوان دانست حشونامه ز عنوان

چون مطلب بسیار دقیق و رقیق است خدا کند از عهده چنین رسالتی برآیم و نزد این همه مفاخر علمی و ادبی شرمنده و خجلت زده نشوم ، از قادر عالم متعال مدد میخواهم تا مرا از کشاکش مبهم و پیچیدگیهای مبرم تاریخ ، سرفراز

بیرون آورد و مشکلات را برین ناچیز سهل و آسان سازد و از اینکه بناچار باید با مراعات وقت و حوصله مجلس در همه موارد باختصار پرداخت و بعلت پیوستگی ناگسستنی خط و زبان و تاریخ اجتماعی و سیاسی بحکم اجبار جهت پیدا کردن ریشه آن در هر عصر و زمان بایستی از هر سه موضوع سخن گفت لهذا با سعی بلیغی که در اجمال آن بکار خواهم برد و از تفصیل خودداری خواهم کرد پوزش میطلبم و با توسل بمهر شایسته و عمیم شنوندگان کریم عذر سرا خواهند پذیرفت و خود از حدیث و اشاره مجمل بتفصیل آن توجه خواهند فرمود.

بشر مدنی الطبع با قوه ناطقه خداداد و اندیشه بهزیستی که در نهاد و دماغ او جای گرفته و مخمر شده است از آغاز کار اجتماعی خود لازم بود در راه بیان عادیات و احتیاجات شخصی و همگانی در تعقیب و تشخیص و سائالی باشد تا در تفهیم خواسته های خود و درک مطالب دیگران از غرائز طبیعی استمداد و استفاده نماید و برای اجرای چنین نیات و مقاصدی و بجهت تشکیل و تجسم ذهنیات و تخیلات خویش طریقه ای را که منتهی با گاهی و آشنائی افراد خانواده و اقوام و قبائل پراکنده در سطح زمین اعم از خودی و بیگانه ضرورت داشت برگزیند و اصواتی را که از مخارج حلق و دهان و لب و دندان بنام «زبان» (۱) برمیخاست با اشکال و علائمی بنام «خط» نشان دهد و پندارها و گفتارها و کردارها را بدینوسیله شکل داده و آثاری را از خود و گذشته گان برای آیندگان بنام «تاریخ» آشکار نموده و ثبت و ضبط کند.

۱- آقای دکتر پرویز ناتل خانلری در ص ۱۶ کتاب «تاریخ زبان فارسی» خود تعریف زبان را چنین فرموده است «زبان مجموعه ای از نشانه ها یا دلالتهای وضعی است که از روی قصد میان افراد بشر برای القاء اندیشه یا فرمان یا خبری از ذهنی بذهن دیگر بکار برود» انصافاً تعریف جامعی است ولی مانع نیست.



نه آنکه آثار تمدن ما ایرانیان از میان نرفت بلکه با تحول بیشتری وضع بهتری بوجود آمد و از خوبیها و دانشها و هنرهای اجانب نیز چیزهایی بر آنچه خود داشتیم افزودیم و مدنیت خود را کاملتر و وسیعتر ساختیم و نظام و قوام نوینی که معجونی از گذشته و حال بود ترکیب یافت و دایر مدار زندگانی ما قرار گرفت و خوشبختانه هیچگاه ایرانی حل و استحاله نشد بلکه بمدد خدا و نبوغ ذاتی خود دیگران را در خود مستحیل ساخت و این مایه مباهات و افتخار ما بوده و خواهد بود. با ذکر این مقدمه و گفتار کوتاه، برای بیان مطلب با رعایت اوضاع و احوال تاریخی موضوع بدو بخش تقسیم میشود.

۱- دوره پیش از اسلام.

۲- دوره بعد از اسلام.

### بخش نخست

## دوره پیش از اسلام

### علم باستانشناسی

درک مظاهر تمدن آنچه را که مربوط به قدیم باشد با توجه بوضع عمل پیشینیان و پی بردن بمیزان دانش و هنر هر یک از آثار باقیمانده آنان علم باستانشناسی یا آرکئولوژی Archaeology نامیده میشود. باستانشناسان از روی حفاریات و کنجکاوای در سنگ نبشته‌ها که غالباً در زیر زمین و یا دامنه کوهها نهفته است و همچنین از آلات و ادوات ساخته شده و سکه‌ها که در نتیجه کاوش بدست میآید با دقت و زحمت فراوان که ملازمه با دانستن زبان و خواندن خطوط گذشتگان دارد و تطبیق آنها با اقوال تاریخی مورخان عصر و زمان و یا پس از آن حقایقی را روشن و هویدا میسازند و از این روی روش

زندگانی فردی و جمعی و اثر هنری و صنعتی هر یک را در مییابند و مشخصات خود را بضمیمه عکسهای لازم برشته تحریر میآورند و مقدر و معیار تمدن کهن ملتی را بر روی موازین علمی و عقلی میسنجند تا مجهولات و تاریکیهای تاریخی گذشتگان روشن شود. کتب گوناگونی که در این زمینه نوشته شده متعدد و قابل استفاده است و مستند ما فشرده آنهاست که در مواقع لزوم بهر یک اشاره خواهد شد.

#### ظهور شاهنشاهی هخامنشی :

اقوام ایرانی یا آریائی مشتق از آریا (۱) یا آری (۲) که بعضی لقب هند- و اروپائی بآنها داده‌اند در هزاره دوم قبل از میلاد از شمال شرق بفلات ایران و دامنه های جبال هندوکش تاخه و در آنجا با سکنه بومی آمیزش میکردند، در هزاره پیش از میلاد جامعه‌ای موسوم به « ایرانیان » بوجود آمد که در مغرب ایران بسال ۸۰۰ ق. م سلطنت ماد را بنیان گذاشتند و همدان (هگمتانه یا اکباتان) را مرکز حکومت خود قرار دادند و دسته دیگر از شمال شرق بجنوب فلات مزبور روی آورده و در فارس اقامت گزیدند و بسال ۶۰۰ ق. م تشکیل دولت دیگری دادند موسوم به پارس و مرکز خود را دشت مرغاب (پازارگاد و یا پاسارگاد) قرار دادند و بسال ۵۵۰ ق. م، کورش کبیر نخستین شاهنشاه هخامنشی ظهور و از پارس تجاوز نمود و در اولین حمله دولت ماد را تحت سلطه خویش درآورد و حکومت پارس و ماد را بنام « ایران » یکی کرد و متعاقب بسال ۵۴۶ ق. م، لیدی را گرفت و سارد پایتخت آنرا تصرف

۱- کلمه « آریا » بمعنای نجیب Noble: بصفحه ۲۳ کتاب تاریخ ادیان تألیف آقای علی‌اصغر حکمت رجوع شود.

۲- واژه « آری » بمعنای شریف و شجاع: بذیل لغت ایران ستون سوم ص ۵۵۱ جزوه ۱۵۷ لغت نامه دهخدا رجوع شود.

کرد و ایلامیها که در محل خوزستان فعلی از ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد تمدن و قومیتی داشتند و شهر شوش (خرابه‌های آن هم اکنون در کنار رود کرخه نزدیکی شهر شوشتر وجود دارد) پایتخت آنها بود. بتصرف کوروش کبیر درآمد و سه شهر بزرگ بابل مرکز بابلیان و سلوسیا مرکز سومریان و تیسفون مرکز آشوریان تسلیم دولت پارس و مؤسس سلسله هخامنشی گردیدند و قومی از نژاد آریائیها بنام هیت‌ها که از هزاره دوم پیش از میلاد در آسیای صغیر سکنی داشته و صاحب تمدن و آداب و دیانت خاص بوده و با مصریان و بابلیان و آشوریان رقابت و نزاع میکردند نیز مغلوب و متصرفات آنها ضمیمه خاک ایران گردید و بتدریج در خاورمیانه (۱) سلطنت واحدی تشکیل و سلسله هخامنشی و متعاقب آن اشکانیان و ساسانیان از ۵۵۰ ق.م، تا ۶۵۱ میلادی یعنی از بدو ظهور کوروش کبیر تا سرانجام یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی زیر نفوذ و تمدن و فرهنگ ایران واقع شدند.

پیش از تشکیل دولت ماد و پارس کشورهای دیگری که در خاورمیانه پایه حکومتی را استوار کرده بودند هر یک خط وزبانی داشتند که باید در درجه اول سومریهارا نامبرد، این قوم از ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح مابین فرات و دجله سکونت اختیار کرده و شهر نیپور را پایتخت خود قرار دادند و آثاری که از خرابه‌های شهر مزبور بدست آمده بنظر میرسد مربوط به تا ۵۰۰ سال ق.م، باشد و چون سومریها از بین رفتند میراث تمدن آنها به بابلیان و آشوریان رسید و متعاقب آن کلدانیان جانشین آنان شدند و بالاخره مورد استفاده ایرانیان واقع گردید.

۱ - خاور میانه باصطلاح امروزه عبارت از ترکیه - قبرس - ایران - سوریه - لبنان - اردن - هاشمی - اسرائیل - مصر - لیبی - عراق - عربستان سعودی - یمن - عدن و شیخ نشین های کویت - بحرین - قطر - ابوظبی - مسقط و عمان میباشد.

خطی که سومریها بکار میبردند از خط هیروگلیف Hieroglyphe که ظاهراً مصریها مخترع آن بوده و خط چینی هم بر همین پایه ساخته شده بود استفاده میکردند و این مبتنی بر اشکال بود و ترسیم و تفهیم آن بسیار مشکل- بنا بر این تدریجاً خط تصویری pictography بصورت اندیشه نگاری Ideography و بعداً سبک نگارش هجائی و صوتی Phonography که ترکیبی از هر سه بود بوجود آمد و کم کم علامت گذاری (الفبائی) مرسوم شد .

آقای علی سامی در کتاب تاریخ تمدن هخامنشی صفحه ۹۸ و ۹۹ چنین

مینویسد :

« ... پس از مصریها خط فنیقیها و خطوط دیگری که از این خط اقتباس شده الفبائی بوده و سپس خط میخی پارسی الفبائی است علت شکل خطوط گروه میخی باشکالی شبیه به میخ را چنین دانسته اند که پس از آنکه تصاویر انسان و حیوان در مرحله دوم بصورت ساده ای درآمد بعداً باز برای آسانی خطوط میخی اشکال بصورت چند ضلعی و خطوط منکسر تبدیل گردید و تقریباً بصورت خط میخی درآمد ، خط میخی سومریها که خود مخترع و واضع آن بوده اند از ۲۰۰۰ تا ۱۶۰۰ علامت داشته و بعدها که بدست بابلیها و آشوریها افتاد به ۶۰۰ تا ۸۰۰ علامت و در دست ایلامیها به ۳۰۰ علامت تقلیل پیدا نمود . کهن ترین خطی که از سومریها روی سنگ دیده شده مربوط به ۳۶۰۰ سال پیش از میلاد میباشد و کتیبه های گلی مربوط به ۳۲۰۰ ق. م. را سومریها از راست بچپ مینوشتند و بابلیان نخستین کشوری هستند که از چپ بر راست نوشتند . بابلیان آشوریان - هیتی ها - هوریها - کنعانیها - اورارتور - ایلامیان - مادیه و پارسیها خطوط خود را از سومریها و کشورهایی که از آنها خط را اخذ نموده بودند اقتباس کردند . »

از طرف دیگر بگفته شادروان پورداد درص ۱۲۱ آنهایتا :

« هند پیش از مهاجرت آریائیها بآنجا تاریخ تمدن درخشانی داشته و قدمت آنها بسه هزار سال پیش از میلاد مسیح برآورد شده . »

ایضاً درص ۱۲۲ کتاب مزبور :

« بگواهی اوستا (۱) و ودا ایرانیان و هندوان از يك نژاد وزبان اند و آئینشان بهم نزدیک است آن زمان که هنرخط اختراع نشده بود سرودهای Veda ( بمعنای دانش) وهم بخش ریگ ودا Rigveda که کهنترین بخشنامه آسمانی هندوان است ( بیش از ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد ) سروده شده .... »

و نیز درص ۱۲۳ کتاب نامبرده ذکر است :

« . . . . سانسکریت زبان برادران آریائی ما است و واسطه خویشی و وابستگی با زبان اوستائی دارد . »

۱ - اوستا نام کتاب زرتشت است و زند وپازند تفسیری از آن ، زرتشت از شمال غربی ایران ( آذربایجان ) برخاست و درشمال شرقی ایران ( بلخ ) بدربار شهریار آنجا « گشتاسب » پناه برد و بدو در آنجا پیروانی پیدا کرد ورفنه رفته آئین او بنقاط دیگر گسترش یافت . در تاریخ ولادت و حیات او اختلاف است آقای دکتر مقدم در صفحه يك مقدمه کتاب تاریخ شاهنشاهی هخامنشی تاریخ تولد او را ۱۷۶۷ ق . م ، دانسته . آقای دکتر ذبیح الله صفا درص ۲۶ شماره ۳ سال یکم مجله بررسیهای تاریخی مورخ آبانماه ۱۳۴۵ اوآخر قرن ۱۱ و اوائل قرن ۱۰ پیش از میلاد ذکر کرده و آقای محمد معین در کتاب مزدیسنا ص ۸۴ ببعده اقوال مختلفی را نقل و قول سنت را که ۶۶۰ ق - م میباشد بیان فرموده است و مطابق این قول او در ۵۸۳ بسن ۷۷ سالگی بهنگام هجوم لشکریان ارجاسب تورانی در یکی از آتشکده های بلخ کشته شده است . تردیدی نیست با چنین اختلاف فاحش ، تشخیص خط اصلی اوستا اشکالات زیادی را در بردارد ، آقای احمد آرام مترجم کتاب اول تاریخ تمدن تألیف ویل دورانت درذیل صفحه ۵۳۹ چنین مینویسد : « . . . در قرن سوم پس از میلاد ولاش پنجم پادشاه اشکانی فرمان داد تا آنچه را از این کتاب ( مقصود اوستا است ) بصورت نوشته یا در خاطره ها موجود است جمع آوری کنند و از همان زمان کتاب اوستا صورت فعلی را بخود گرفت . . . »

بنابراین ایرانیان با استعداد سرشاری که داشتند تمدن دو جانبه را اخذ و با آنچه که خود بوجود آورده بودند ترکیب و تمدنی پدید آمد که یکی از ریشه‌های تمدن و فرهنگ جهان بشمار می‌آید و آنرا گاهواره تمدن گیتی می‌خوانند و با اینکه بر اثر حمله اسکندر مقدونی (۳۳۰ ق - م) و انتقال يك نسخه از دونسخه از متن اوستا که روی ۱۲۰۰۰ پوست گاو بزبان فرس قدیم و بخط میخی نوشته شده بود و يك نسخه از دونسخه قوانین هامورابی را بیونان و آتش کشیدن نسخه‌های دوم این دونوشته‌های مهم باذخائر دیگری در تخت جمشید و بقول بعضی مورخین در نتیجه هجوم اعراب (۲۱ هجری قمری) و از بین بردن کتابخانه اسکندریه که بقول معروف ۷۰۰۰۰۰ جلد کتاب خطی در آن موجود بوده است. و همچنین حمله چنگیز مغول (۶۱۵ و ۶۱۶ هجری قمری) بسیاری از آثار ایرانیان از میان رفت مع الوصف آنچه که از سنک نبشته‌ها و الواح گلی و سنگی و زروسیم مستخرجه از خرابه‌های دشت مرغاب (پازارگاد یا پاسارگاد) نخستین پایتخت هخامنشیان و تخت جمشید و نقش رستم و شوش و بغستان (بیستون) و همدان و الوند و وان و سوئز بدست آمده و غالباً بسه خط میخی و سه زبان پارسی باستان و بابلی و ایلامی نوشته شده نشان دهنده و یادگار دوران با عظمت هخامنشی است و شاهنشاهانی مانند کوروش بزرگ (۵۲۱ - ۵۵۹ ق م) و داریوش بزرگ (۴۷۶ - ۵۲۲) و خشایارشا (۴۶۵ - ۴۸۶) و اردشیر اول (۴۲۵ - ۴۶۵) و داریوش دوم (۴۰۵ - ۴۲۵) و اردشیر دوم (۳۵۹ - ۴۰۵) و اردشیر سوم (۳۳۸ - ۳۵۹ ق - م) آن آثار را برجای گذاشته‌اند و اکنون در موزه‌های لندن و لنینگراد و تهران و مانند آنها نگاهداری و الواح زروسیم که بسیار گرانبهاست در میان آنها دیده میشود و باید بعین آنها و کتابهای راجع بآنها

رجوع نمود ولذت برد و باین افتخارات بالید .

علماء علم زبانشناسی زبان پارسی را بسه دوره تقسیم کرده اند :

۱ - زبان فرس قدیم یا پارسی باستان که لهجه جنوبی ایران بوده و بابر وی کار آمدن هخامنشیان، زبان رسمی مملکت گردید و در سراسر ایران بزرگ رواج یافت و زبانی را که امروزه آنرا اوستائی مینامند از بستگان و خویشان بسیار نزدیک زبان پارسی باستان و زبان سانسکریت که ردیف پارسی باستان است با این زبان پیوستگی خاصی دارد .

آنچه آقای علی سامی استاد دانشگاه پهلوی شیراز در ذیل صفحه «ید» بعد مقدمه کتاب الواح بابل ترجمه آقای علی اصغر حکمت نوشته و در کتاب تمدن « هخامنشی » تألیف خود از ص ۲۲۲ بعد و همچنین در کتاب ترجمه الواح گلی تخت جمشید تألیف آقای محمد تقی مصطفوی مدیر کل پیشین باستانشناسی یاد شده است در ۱۳۱۲ شمسی زمان وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه آقای علی اصغر حکمت در گوشه شمال شرقی صدفه روی حصار شمالی باطاقهایی بر خورد شده که درون آن سی هزار لوحه گلی ضبط و با خشت جلو آن تیغه شده بود و نظیر آن ۷۵۰ خشت دیگر ضمن خاکبرداریهایی که در ساختمانهای معروف بخزانه تخت جمشید انجام میگرفت و عموماً بزبان پارسی باستانی و قسمتی هم بزبان ایلامی بخط میخی بود یافت شد و از گزند آتش اسکندر محفوظ مانده بود .

تمام خشتهای مزبور بشیکاگوی امریکا در صندوقهای محکم و بسته جهت کشف و خواندن مضامین آن وسیله آقای علی سامی حمل و پس از معطلی زیاد بمناسبت حدوث جنگ جهانی و فوت ( پروفیسور جیمس هانری بریستد J . H . Breasted رئیس بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو و اشتغال دانشمندان

که میتوانستند این خطوط را مورد مطالعه قرار دهند. در خدمات جنگی بالاخره پروفیسور ژرژ کامرون موفق بخواندن و ترجمه معدودی از آنها گردید. فوآندی که از ترجمه بعضی از این الواح حاصل شد در کتاب « تمدن هخامنشی » و سیله آقای علی سامی ذکر است و اجمالا بسیاری از مجهولات روشن و ترتیب صحیح آندوره در امور مالیاتی و خزانه دولتی و جمع و خرج در آمد و مصارف کشوری و شهر های آباد ایران و اسامی شاهنشاهان عظیم الشان آن عصر واضح و بحلیه طبع در آمد و برای پی بردن بجزئیات آن باید بکتاب مزبور مراجعه نمود.

خوشبختانه در دانشگاه تهران و اصفهان و بعضی دانشگاههای دیگر ایران کرسیهایی برای تدریس زبانهای اوستائی، آریائی، پارسی باستان و سانسکریت دائر و دانشجویان علاقه مند از آن برخوردارند و بوضع زبان و خط کهن و باستانی کشور عزیز خود آگاهی حاصل میکنند. (۱)

### ۲- پارسی میانه: دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پارسی میانه زبان دوره اشکانیان و ساسانیان است که بزبان پهلوی اشکانی (قسمت شمالی در ناحیه خراسان) یا پارتی و زبان پهلوی ساسانی (قسمت جنوبی در ناحیه فارس) نامیده میشود (از ۲۵۰ ق.م تا ۶۵۱ میلادی) آقای ذبیح الله بهروز در کتاب خط و فرهنگ (جزوه هشتم دیوان کوده) ص ۳۶ ببعده مینویسد: ایران قبل از اسلام هفت خط مختلف داشته و هر يك

۱ - یکی از کتابهایی که در انواع زبانها وریشه آنها و زمان استعمال هر يك و تحولاتی که وسیله اقوام مختلف حاصل شده و بحث تحقیقی که در زبانها بعمل آمده کتاب « تاریخ زبان فارسی » است که بخامنه آقای دکتر پرویز ناتل خانلری انتشار یافته و کاملا قابل استفاده است و باید بان مراجعه نمود.

را برای مقصدی بکار میبردند اسامی و خصوصیات هر يك بنحو اجمال ذیلا ذکر میشود :

۱- آم دبیره یا هام دبیره - خط عمومی و آنرا با ۲۸ شیوه مینوشتند بنابراین حروفش از خطهای دیگر ایران کمتر بوده و صداهائی که مخرج مشترك داشتند با يك حرف مینوشتند .

۲- گشته دبیره - با آن پیمانها و فرمانها را مینوشتند و ۲۸ حرف داشته است .  
۳- نیم گشته دبیره - در طب و فلسفه بکار میرفت و آن نیز ۲۸ حرف داشته است .

۴- فرورده دبیره - برای منشورهای پادشاهی بکار میرفته و دارای ۳۳ حرف بوده است .

۵- راز دبیره - که برای رازهای سلاطین (رمز) بکار میرفت و ۴۰ حرف داشته است .

۶- دین دبیره - سرودهای دینی را با آن مینوشتند و ۶۰ حرف داشته است .  
۷- ویسپ دبیره - که خط کلی و جامع همه خطوط بوده است و با این خط زبان رومی - قبطی - بربری - هندی - چینی - ترکی - نبطی و عربی را مینوشتند و برای نوشتن صداهای لغات امم مختلف ۱۶۰ حرف و صداهای غیر انسانی و اشارات ۲۰۵ حرف بکار میرفته است .

آنچه از کتیبه‌های عصر بالا و بالاخص دوران ساسانیان معلوم میشود خط میخی زمان هخامنشی که خالی از اشکال نبوده تغییر کلی یافته و آسانتر شده است و زمینه را برای دوره بعد که ریشه زبان فعلی است آماده ساخته است . از کتیبه‌های این دوره که در حفاریها بدست آمده طی سالهای ۳۳۰ ق.م، (حمله اسکندر مقدونی بایران) تا ۲۵۰ ق.م حدود هشتادسال (مابین انقراض

شاهنشاهی هخامنشی و آغاز پادشاهی اشکانیان) گاهی همراه با خط پارسی باستان و در ذیل آن خط یونانی هم بچشم میخورد ولی در زمان رواج پارسی میانه این اثر عرضی بالمره از میان رفت و میتوان گفت تحت تأثیر فشار سلوکی‌ها که پس از اسکندر در قسمتی از خاک ایران در مدت مذکور حکم-فرمائی میکردند عارض شده بود و بعد از قلع و قمع آنان وسیله اشکانیان موضوع بحال عادی خود بازگشت .

### ۳- فارسی نو :

ریشه لغات و زبان همان لغات و زبان ادوار پیش با ترکیبی از الفاظ عربی که از نبطی و سریانی گرفته شده و بنام فارسی دری (درباری) معروف گردیده زبان فارسی دوره سوم را تشکیل و همانست که امروزه با همان لغات و زبان سخن میگوئیم و انشاء عبارات میکنیم .

در این خصوص و در موضوع خط و کتابت در بخش دوم ، پس از اسلام سخن خواهیم گفت .

## دوره بعد از اسلام

پس از حمله اعراب به ایران ( ۲۱ هـ ) در قسمتی از خاک ایران زبان عربی رایج و فضلا و دانشمندان ایرانی کتابهایی بزبان عربی نوشتند و بسیاری از کتب فارسی را از زبان پهلوی بعربی برگرداندند و خط کوفی (۱) در قسمتی

---

(۱) شادروان عبدالمحمد ایرانی مدیر چهره نمای مصر و نگارنده کتاب پیدایش خط و خطاطان در ص ۴۶ چاپ مصر ریشه کوفی را خط سیر پاک از حیره که تابع سلاطین ساسانیان بوده است میداند و بگفته مرحوم دکتر مهدی بیانی در جلد اول «ایران شهر» (نشریه شماره ۲۲) کمیسیون ملی یونسکو در ایران ص ۷۶ مأخوذ از الفباء نبطی و سریانی و آقای رکن الدین همایونفرخ در شماره ۳ و ۴ سال چهارم (مجله بررسیهای تاریخی) از خط مسند مربوط به یمن می‌شمارد .

از خاك ایران که تحت نفوذ اعراب درآمده بود رواج یافت و بجای خطوط هفتگانه فوق‌الاشعار قرار گرفت ولی ایرانیان ساکن شمال و شرق ایران تا ماوراءالنهر زبان و خط ایرانی را حفظ کردند و تا ظهور صفاریان ( ۲۵۴ تا ۲۹۰ هجری) برابر با ۸۶۷ تا ۹۰۳ میلادی) و سامانیان (۲۶۱ تا ۳۸۹ هـ مطابق با ۸۷۴ تا ۹۹۹ م) بزبان فارسی تکلم و کتابت میکردند و شعراء این زمان به زبان فارسی شعر میگفتند و بزبان فارسی مینوشتند و شاهنامه فردوسی که در زمان سامانیان شروع و پس از سی سال یاسی و پنجسال بسال ۴۰۰ یا ۴۰۱ پایان یافت و بسلطان محمود غزنوی (۳۸۸ تا ۴۲۱ هـ برابر با ۹۹۸ تا ۱۰۳۰ م) اهدا گردید و عجم و زبان فارسی را با این شاهکار ادبی و تاریخی زنده کرد بزرگترین شاهد این مدعا است که زبان و لغات و خط فارسی در شمال و شرق ایران ازگزند تغییر و تبدیل مصون و از نژند باد و باران در امان ماند و بدست ما رسید که با سر آنرا نگاهداریم .

چون خط کوفی بسیار پیچیده و مشکل و با تصرفاتی که تا قرن سوم هجری از حیث اعراب و نقطه بآن دادند بکار امور دیوانی نمیخورد و طبع بلند ایرانیان را قانع نمی ساخت بکنفر ایرانی اصیل موسوم به «ابوعلی محمد بن علی بن حسین» معروف بابن مقله بیضاوی شیرازی و ملقب به قدوة الکتتاب که بسال ۲۷۲ متولد و بر اثر ذوق و استعداد و دانش و کیاست بمقام وزارت المقتدر بالله هیجدهمین خلیفه عباسی ( ۲۹۵ تا ۳۲۰ هجری برابر با ۹۰۸ تا ۹۳۲ میلادی) رسید و در ۳۱۶ هـ بمقام صدارت نائل شد و عاقبت پس از رنجها و مشقات گوناگون (۱) که در دوران حیات خود کشید و عاقبت در

۱ - شرح حال ابن مقله شیرازی در کتاب «خط و خطاطان» فوق‌الذکر از ص ۹۰ تا ۱۰۷ ذکر است و آقای رکن‌الدین همایونفرخ نیز در مجله بررسیهای تاریخی آنرا آورده است .

زمان خلافت الراضی بالله (۳۲۲ تا ۳۲۹ هـ مطابق با ۹۳۴ تا ۹۴۰ م) بسال ۳۲۸ هـ در زندان خلیفه کشته شد. شش خط: محقق، ریحان، ثلث، نسخ، رقاع و توقیع را اختراع و پرورش داد و خود سه قرآن با خطوط اختراعی خود نوشت و شاگردانی تربیت کرد که از خطوط او تقلید و تبعیت کردند و در این راه شهرتی کسب نمودند و تصرفات تازه‌ای در خطوط ثلث و نسخ و رقاع بکار بستند و بمیزان نقطه آنها را سنجیدند و متعاقباً قرآن‌ها و کتب ادعیه و دینی و غیره با خطوط مکمل تدریجی نوشته شد که در هر کتابخانه و موزه‌ای که در داخل و خارج کشور قرار دارد جزء نفائس گرانبها بشمار می‌آید و بعضی را برای آن قیمت نمیتوان تعیین کرد. و تازمانی که چاپخانه سنگی و سربی بایران آمد حتی پس از آن توسط خوش نویسان زبردست و ماهری از ایرانیان، نسخ و ثلث و رقاع باوج کمال رسید و با سلیقه‌ای که در سرسوره‌ها و سرلوحه‌ها از حیث تذهیب و تشعیر در متون و حواشی و جلدهای منقش، سوخت و گل و بوته و مرغ و غنی یک رو و دو رو و سیله نقاشان و تذهیب‌کاران هنرمند بنام (۱) و انتخاب کاغذهای مختلف عالی یک پارچه و یا متن و حاشیه (۲) بکاررفت، چنان ارزش هر یک را بالا برد که گاهی قیمت جلد و تذهیب را از قرآن و کتاب افزونتر

۱ - برای اطلاع بیشتر بجلد اول کتاب « نستعلیق نویسان » اثر شادروان دکتر مهدی بیانی از ص ۱۹۶ ببعده رجوع شود .

۲ - کاغذهائی که برای تحریر قرآن کریم و کتب دعا و سایر کتابها بعد از اسلام دیده‌ام بشرح زیر است :

پوست آهو . پارچه . کاغذ بغدادی . کاغذ خانی‌بالغ . کاغذ دولت آبادی . کاغذابری . کاغذ سمرقندی . آهار مهره . کاغذ ختائی . کاغذ بخارائی . کاغذ اصفرنانی . کاغذ کشمیری . کاغذ ترمه‌ای . کاغذ ساخت قورخانه تهران . کاغذ فرنگی .

ساخت . مخصوصاً وقتی که بمناسبت در بعضی از کتب علاوه بر تذهیب و جلد وسیله نقاشان و مینیاتوربست های زمان صفحاتی چند از مناظر عشقی و یا جنگی بر کتاب ضمیمه میگردد آن کتاب را رونق بسزائی میداد بطوریکه قوه خرید را از عاشقان این همه هنر و صنعت سلب میکرد و با کمال تأسف تعدادی از نخبه های آن با پرداخت وجه گزاف بخارج انتقال یافت و در کتابخانه ها و موزه های بیگانگان جای گرفت و بدون اینکه کسی بفکر آنها باشد اجازه خروج رسمی هم میدادند و این ثروت ملی و پرازش بتدریج از دست ایرانیان رفت و حال آنچه معلوم و مسموع است بموازات سایر گامهای مؤثر و بسیار مفیدی که در راه اعتلاء مملکت برداشته میشود از طرف خاندان جلیل سلطنت بویژه علیاحضرت شهبانو که خود دارای ذوق و طبع سلیم در نقاشی میباشد دستور جمع آوری آنها را جهت تشکیل موزه جدیدی علاوه بر کتابخانه سلطنتی و موزه کاخ گلستان داده اند و خدا کند باقی مانده جمع آوری و تمرکز یابد و این ثروت ملی محفوظ بماند .

خوشبختانه تعداد زیادی از این نفائس منجمله ۴۵۰۰ مجلد قرآن مجید که غالباً بخطوط ممتاز عالی و تذهیب و تشعیر و تجلید متعالی مزین و متجلی است در کتابخانه آستان قدس رضوی روی نیت پاک و اخلاص تابناک عده ای مردم نیکوکار که تدریجاً تقدیم و اهداء کرده اند و گنجینه مجموعه بسیار ارزنده ای را تشکیل داده وجود دارد که برای بعضی از آنها ارزشی نتوان تعیین نمود .

بخاطر دارم بسال ۱۳۱۳ شمسی برای افتتاح مقبره جدید البناء فردوسی طوسی در طوس بمشهد چون عده زیادی از اهل ذوق و دانش اعم از دانشمندان ایرانی و خاور شناسان خارجی بدعوت انجمن آثار ملی

گرد آمده بودند ضمن دیدار از موزه و کتابخانه آستان قدس چشمم بقرآن خطی افتاد که دارای ۶۰۶ ورق بود (۱) و علاوه بر حسن خط (از سید جعفر محمدخان بن سید محمدباقر محمدخان حسینی است) دارای تشعیری است که نقش دو صفحه آن باهم یکی نیست و نقاش آن کمال زبردستی را بخرج داده است، از آقای مینورسکی استاذ زبان پارسی و فلسفه شرق دانشگاه کمبریج که از خاورشناسان بنام بود پرسیدم بنظر شما این قرآن چه مبلغ ارزش دارد پس از دقت و توجه بکار صنعتی و هنری آن جواب داد يك میلیون تومان چون باین تشخیص ایرادگرفتم با چند بار مطالعه به پنج میلیون تومان آنرا بالا بردو این رقم مربوط بسال ۱۳۱۳ است و حال تکلیف آن معلوم است این یکی از قرآن‌های آن مجموعه و گنجینه است که بسال ۱۱۴۸ هجری قمری سمت تحریر یافته است.

سایر کتابخانه‌های ایران از جمله کتابخانه سلطنتی واقع در حیاط گلستان تهران که شادروان دکتر مهدی بیانی دوشنریه از قرآن‌ها و کتابهای نفیس آنرا چاپ و منتشر ساخته است و کتابخانه مجلس شورای ملی و کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار و کتابخانه ملی ملک (از طرف آقای حاج حسین آقای ملک وقف آستان قدس رضوی شده و شعبه‌ای از کتابخانه آستان قدس است) و کتابخانه ملی و موزه ایران باستان و کتابخانه‌های عمومی و خصوصی و موزه‌های داخلی

(۱) اخیراً بهمت آقای احمد گلچین معانی کتاب زیبایی بچاپ افست بنام «داهنمای گنجینه قرآن» مبنی بر ذکر خصوصیات اجمالی ۲۱۴ مجلد قرآن ممتاز و بسیار نفیس آستان قدس رضوی بجلیه طبع درآمده است و ملاحظه و دقت در آن و مشاهده عین قرآن‌ها که در موزه مخصوص درنالاری جداگانه و ویترینه‌های زیبایی قرار داده شده و دیده‌انسان را خیره میسازد. این قرآن در ص ۲۷۴ کتاب مزبور بشماره ۱۵۴ ثبت است.

امیدوارم آقای گلچین معانی که اکنون سرگرم چاپ جلد هشتم و نهم کتابهای خطی آستان قدس است توفیق کامل در نشر باقی گنجینه قرآن پیدا کند.

و خارجی نیز از داشتن چنین نفائسی برخوردارند که برای برخی از آنها قیمتی نمیتوان تعیین کرد و باید بفهرستها و عین آنها مراجعه و حقیقت موضوع را دریافت .

هرگاه بخواهیم برای نسخ و ثلث نویسان فهرستی کامل تهیه نمائیم بقدری مفصل میشود که از عهده این مقال خارج است و کتابها پدید خواهد آورد، اکنون بذکر مجملی از تفصیل و ذکر نام بعضی از معارف آنها مطلب را کوتاه میکنیم (۱) .

#### نسخ و ثلث نویسان :

قرن چهارم - بعد از این مقله بشرحی که گذشت ، ابوالحسن علاءالدین علی بن هلال معروف به «ابن بواب» (متوفی بسال ۴۷۳ هـ) ، ابوالقاسم منصور بن محمد بن کثیر ، ابراهیم بن هلال ، ابوالفضل خازن دینوری خراسانی ، خواجه ابوالمعالم و عده ای دیگر .

قرن پنجم - ابوالبرکات رازی ، محمد مهدی قزوینی ، ابوعلی بن حنّوله ، عثمان بن حسین و راق ، احمد بن حسن میمنندی و عده ای دیگر .

قرن ششم - ابوالقاسم حسن خطیب ، محمد بن حسین ، ابوالفرج بن جوزی احمد شاه طیب و عده ای دیگر .

قرن هفتم و هشتم - جمال الدین ابوالمحمد یاقوت بن عبدالله ملقب به «قبلة الکُتّاب» و معروف به «یاقوت مستعصمی» متولد بسال ۶۱۸ و معاصر با عبدالله معتصم آخرین خلیفه عباسی (۶۴۰ تا ۶۵۶) و او شاگردانی چون:

(۱) در معارف خطاطان چه در این قسمت و چه در قسمت نستعلیق نویسان و شکسته و شکسته نستعلیق و تعلیق نویسان بذکر نام آنتائی پرداخته ام که بمناسبتی به اثرشان برخوردند تا باندازه حوصله این گفتار باشد والاچه بسامشاهیر و معارف دیگری هستند که برای رعایت اختصار از ذکر نام آنان صرف نظر شده است .

شیخ احمد سهروردی معروف به شیخ زاده، یوسف مشهدی، سیدحیدرگنده - نویس، نصراله طیب معروف به «صدر عراقی»، ارغون کابلی، مبارک شاه بن قطب تبریزی، عبدالله صیرفی را تربیت کرد که خود و همه شاگردانش از مشاهیر و معاریف نسخ و ثلث نویس قرن هفتم میباشند. دیگران: محمد بن محمد، ابوالحسن علی بن محمد بن محمد، احمد صدیقی و غیر آنها.

قرن هشتم و نهم - شیخ محمد طغرائی، عبدالله طباطبائی، جعفر تبریزی معروف به «جعفر بایسنقری» که همه خطوط رانیکومینوشت، زین العابدین ابن محمد بن کاتب شیرازی، محمد مسرور، محمود قطب مغیثی سطلانی، ظهیر - الدین، محمد بن عبدالله کاتبی نیشابوری، ابراهیم بن علی بن حسن بن محمد ابن صالح.

مهمترین خطاطان ثلث نویس قرن نهم - بایسنقر بن شاهرخ بن امیر تیمور گورگانی است (مادر او گوهر شادبانی مسجد گوهر شاد مشهد که نظیر آن را در هرات ساخته و بسال ۸۶۰ بدست نوه اش سلطان ابوسعید در هرات کشته شد) متولد بسال ۸۰۰ و متوفی بسال ۸۳۷ کاتب کتبه معروف ابوان مسجد گوهر شاد در ۸۲۱ (بامضاء راجیا الی اله بایسنقر بن شاهرخ بن امیر تیمور گورگان) و قرآن ثلث مشهور بایسنقری بخط جلی با سبک مخصوص بخود که مکمل سبک یاقوت مستعصمی است و باید گفت تا حال محکمتر و شیرین تر از این سبک نیامده و چند قطعه هفت سطری در کتابخانه و موزه آستان قدس و کتابخانه ملی ملک (نمونه آن که کوچکتر از اصل است) ذیلا بیاید و نزد این و آن پراکنده است و نیز برادر بایسنقر سلطان ابراهیم میرزا در خط ثلث چیره دست توانا بوده است.

قرن دهم و یازدهم : میر عبدالقادر الحسینی ، کمال الدین حسین الحافظ الهروی - علی قلی شیرازی ، علاء الدین محمد بن شمس الدین حافظ تبریزی معروف به « ملا علاء بیک » ، عبدالباقی تبریزی متخلص به باقی شاگرد علاء الدین تبریزی ، خواجه عبدالله مروارید شهاب الدین متخلص به ساقی ، روز بهان شیرازی ، جمال الدین حسین فخری ، نصراله خادم ، عبدالله بن محمد محسن یزدی ، علیرضا تبریزی معروف به « علیرضا عباسی » که کتیبه های صحن عتیق و کتیبه اول گنبد مطهر حضرت رضا علیه السلام از اوست و خط نستعلیق را نیز نیکو مینوشته ، محمد رضا امامی اصفهانی ، ابن محمد مؤمن مؤلف جنات الخاود (کتیبه دوم گنبد مطهر و کتیبه های ایوان مطهر طلای حضرت علی بن موسی الرضا سلام الله علیه از اوست وعده ای دیگر .

قرن یازدهم و دوازدهم : محمد ابراهیم قمی ابن محمد نصیر ، میرزا احمد بن شمس الدین محمد تبریزی ( قرآن شاهنشاه آریامهر بخط اوست ) محمد هاشم طائر ، محمد رضی یزدی ، محمد رضا شیرازی ، محمد هادی اصفهانی ، محمد محسن امامی اصفهانی ، محمد حسین کازرونی ، عبدالمجبار غریب الوطن ، محمد بن علاء الدین اصفهانی وعده ای دیگر .

### قرن سیزدهم :

محمد شفیع بن محمد علی تبریزی و پسرش محمد علی بن محمد شفیع تبریزی ، عبدالشکور ، محمد هاشم بن محمد صالح لؤلؤی اصفهانی معروف به زرگر ، احمد بن محمد هاشم خوشنویس اصفهانی ، سید محمد بقا ملقب به اشرف الکتّاب ابوالمعالی اصفهانی - محمد شفیع ارسنجانی و برادرش علی عسکر ارسنجانی ، محمد کاظم بن محمد تقی شیرازی ، محمد باقر بن محمد کاظم ، زین العابدین بن محمد تقی اصفهانی ( اشرف الکتّاب ) میرزا محمد علی اصفهانی ، حسن بن علی نسابه ،

میرزا علیرضا بن محمد علی مشهور به آقا جان و متخلص به پرتواهل لنجان اصفهان، علی بن عبدالله عاشور، احمد بن محمد حسین شاملو، فرج الله نگارستانی و عده ای دیگر.

یکی از خوشنویسان قرن سیزدهم ابو محمد محمد شفیع بن محمد اسماعیل ملقب به میرزا کوچک و متخلص به «وصال» شیرازی است که بسال ۱۱۹۷ متولد و بسال ۱۲۶۲ فوت نمود. شش فرزند داشت که همه در مکتب او تربیت شدند و خطوط مختلف را نیکو مینوشتند.

احمد وقار، محمود حکیم، محمد داوری، ابوالقاسم فرهنگ، اسمعیل توحید، عبدالوهاب یزدانی.

کتابی خطی از اورنگ بن فرهنگ دیده‌ام که نوۀ وصال میباشد و همگی بسیار خوش مینوشته‌اند بعلاوه دیوان وصال بچاپ سنگی و دیوان داوری را بچاپ سربی دیده‌ام و شرح حال آنها را استاد ماهیار نوایی در کتاب خود آورده است و تزدد کترای خود را در این زمینه نوشته و بسال ۱۳۳۵ چاپ و منتشر ساخته است در قرن سیزدهم سه نفر بانوان را سراغ دارم که در کمال استادی قرآن نوشته‌اند یکی مریم بانو نواده حاج میرزا عبدالوهاب نائینی و دو دیگر ام‌السلامه ملقب به سرورالدوله و ضیاء السلطنه دختران فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲ تا ۱۲۵۰ هـ) که هر سه در خط نسخ چیره دست و بلند پایه بوده‌اند.

قرن چهاردهم - قرن حاضر بواسطه وجود چاپخانه و حروف سربی که بخط نسخ است از علاقه‌مندان بخط نسخ و ثلث کاسته شده و خطاطان بیشتر به نستعلیق و شکسته گرائیده‌اند که در جای خود بیاید و چون کتابی بنام «تذکره خوش‌نویسان معاصر» از طرف آقای علی راهجیری که خود صاحب حسن خط میباشد دنباله کتاب «پیدایش خط و خطاطان» عبدالمحمد ایرانی نوشته و منتشر ساخته است و غالب

آنها نستعلیق و شکسته نویس هستند لهذا ما را بی نیاز از معرفی نسخ و ثلث - نویس این قرن مینماید مع الوصف چند نفری را که بعضی در قید حیات نیستند و برخی سایر خطوط را نیز نیکو مینویسند در اینجا ذکر میکنیم :

لطفعلی صدرالافاضل ، محمدتقی کمال ، میرزاغلامعلی ابن میرزا محمدنائینی ابوالفضل بن فضل اله ساوجی ، حاج میرزا طاهر خوشنویس تبریزی ، مجدالدین نصیری امینی متخلص به مجدی ، احمد نجفی زنجانی معصومی ، حاج محمد علی نعلچی غروی ، مجید موسوی مراغه ای ، مرتضی عبدالرسولی ابن علی عبدالرسولی ، افضل الدین آذربید ، شیخ عباس مصباح زاده ، حبیب اله فضائلی اصفهانی و بعضی دیگر .

خط نستعلیق - این خط نیز از اختراعات و ابتکارات ایرانیان است ، گویند نخستین کسی که در این راه قدم برداشت و تعلیق را نسخ و نام آنرا نسخ تعلیق یا نستعلیق نهاد میرعلی تبریزی (متوفی بسال ۸۵۰ هـ) بود و پسرش عبدالله نیز موضوع را دنبال کرد و دیگران که متعاقب این دو نفر آمدند در تکمیل و اشاعه آن هریک همتی گماشتند و بالتیجه مکتبی برای خط نستعلیق گشوده شد و دامنه و وسعت آن بافغانستان و هندوستان حتی ترکیه و عراق و مصر کشید و خوشنویسان بسیاری از قرن نهم بیعد پدید آمدند و اکنون قطعات متقدمین به بهای قابل توجهی خرید و فروش میشود .

بطور کلی در قرن نهم و دهم چون سلطان حسین میرزا بایقرا و گورگانی (۸۷۳-۹۱۲) و وزیر دانشمندش امیرعلی شیرنوازی (۸۴۴-۹۰۶) فضلا و هنرمندان را جمع و مورد محبت و نوازش و تشویق قرار میدادند لذا حوزه خراسان آزرمان مرکز دانش و هنر شده بود و صنعت خط و نقاشی نیز رواج کامل یافت و استادانی تربیت شدند که نامشان باقی و آثارشان با برجاست و زمینه رشد و

پیشرفت و سیر تکاملی خط نستعلیق از همین زمان فراهم شد .

قرن نهم : پس از میرعلی تبریزی و پسرش عبدالله که شرح مختصر آنها گذشت باید نام جعفر تبریزی معروف به بایسنقری که هفت خط را نیکو مینوشته و شاگرد این دو بوده است ذکر کرد و معاصر او ظهیرالدین اظهار استاد سلطانعلی مشهدی که بایسنقر میرزا و سلطان ابراهیم میرزا ( در نسخ و ثلث - نویسان نام این دو آمده است ) خدمت میکرد و متعاقب سلطانعلی مشهدی ملقب به قبله الکتتاب ( وفات ۹۲۶ ) سلطان محمد نور و سلطان محمد خندان شاگردان ممتاز سلطان علی مشهدی و سلطانعلی تائبی ( وفات ۹۱۴ ) و میرعلی الهروی حسینی که سلطانی و کاتب السلطانی و فقیرعلی و علی کاتب امضاء میکرده است شاگرد زین الدین محمود و شخص اخیر الذکر شاگرد سلطانعلی مشهدی مکتبی گشود و به نقل از ص ۵۰۵ جلد دوم نستعلیق نویسان تألیف شادروان دکتر مهدی بیانی ۱۹ نفر شاگرد بشرح زیر تربیت کرده است و اغلب جزء استادان خط نستعلیق بشمار میآیند :

میرمحمدباقر ( فرزند میرعلی ) ، خواجه محمود سیاوشانی ، سیداحمد مشهدی ، میرحسین کلنگی بخاری ، عبدالمخالق باخزری ، میرحیدر حسین تبریزی ، مالک دیلمی ، معین الدین محمد شریفی ، میرمحمد معصوم ، میرمحمد سمرقندی ، حاج محمد امین میرک بخاری ، میردوری ، محمدحسین کشمیری ، سلطان محمود بخاری ، حمدالله خلخالی ، قاسمعلی ، پیرمحمد ، اسمعیل ، میرچشمه .

### قرن دهم و یازدهم :

در این دو قرن در درجه اول نوبت به میرعماد حسینی قزوینی میرسد که از اجله نستعلیق نویسان است و کمتر کسی بهایه او میرسد او لقب عمادالملک داشت و

علاوه بر نویسنده‌گی مدتی جبهه‌دار شاه عباس کبیر (۹۹۶ - ۱۰۳۸) بود ولی بعزت سیاست در باره اودر ۱۰۲۴ بدرجه شهادت رسید و در سن ۶۴ سالگی چشم از جهان با وضع بسیار اسف آوری فرو بست ولی خطوط ممتاز وی که دست بدست می‌گردد نام او را جاوید ساخته است و شاگردان برجسته ای که تربیت کرده‌مانند عبدالرشید دیلمی خواهرزاده و داماد او، گوهر شاد دختر او، میریحیی، عبدالجبار اصفهانی، نورالدین محمد لاهیجی مشهور به نورا، ابوتراب اصفهانی از اصفهان مشهور به ترابا، میر ابراهیم، محمد صالح خاتون آبادی اصفهانی، درویش عبدی بخارائی، که همه مقام والائی را در خط نستعلیق داشتند و بعضی پس از قتل میر عماد از فرط تأثر از اصفهان هجرت کرده و بنقاط دیگر منجمله هندوستان رفتند و اکرام فراوان دیدند (۱).

بطور کلی برای شناسائی نستعلیق نویسان از قرن نهم بعد باید سه جلد کتاب نفیس و قابل توجهی که در این زمینه از طرف شادروان دکتر مهدی بیانی بچاپ رسیده و انصافاً زحمت فراوان در تدوین آن کشیده است مراجعه شود و مارا از ذکر اسامی و خصوصیات آنان برای جلوگیری از اطناب و اطاله مقال بی‌نیاز می‌سازد ولی بناچار چندتن از آنها را یاد میکنم تا بابر خورد بکتابها و نوشته‌ها و قطعات و کتابها حضور ذهنی باشد.

از جمله میرزا محمد حسین شیرازی ملقب به «کاتب السلطان» و فتحعلی شیرازی متخلص به «حجاب» و میرزا اسداله شیرازی و میر محمد حسین تبریزی و میرزا عباس نوری و میرزا غلامرضا اصفهانی که همیشه «غلامرضا» و «باعلی مدد» امضاء می‌کرده و در ۱۳۰۷ دنیای فانی را وداع گفته و میرزا ابراهیم تهرانی

۱ - شرح حال میر عماد حسنی در جلد دوم نستعلیق نویسان از ص ۵۱۸ تألیف شادروان دکتر مهدی بیانی ذکر است بانجا رجوع شود.

معروف به « میرزا عمو » شاگرد میرزا غلامرضا اصفهانی ( جد مادری تیمسار سپهد مرتضی یزدان پناه ) و حاج میرزا ابوالفضل بن فضل الله ساوجی ( پدر آقای ذبیح الله بهروز ) و میرزا رضای کلهر استاد مسلم اخیر و محمد حسین سیفی قزوینی و میرزا علیخان منشی که همه در قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم میزیسته اند و خطوط آنها امتیاز خاصی داشته است .

در قرن چهاردهم هجری قمری که از طرف وزارت معارف برای دبیرستانها معلمین خط گماشته شده بود در بین آنها نیز عده ای از استادان خط نستعلیق دیده میشود که مورد توجه بودند و چون وزارت فرهنگ و هنر در خیابان خانقاه تهران آموزشگاهی برای تعلیم خط ایجاد کرد و معلمینی مانند میرحسین میرخانی و میرحسن میرخانی ( فرزندان شادروان سید مرتضی برغانی ) و میرزا - ابراهیم بوذری طالقانی و جواد شریفی فرزند شادروان زین العابدین ملک - الخطاطین و شاید برخی دیگر بکار تعلیم اشتغال دارند و شاگردان متعددی هم از زیر دست این استادان فن و سایرین با استفاده کامل بکار مشغولند و آموزشگاه مزبور در حقیقت خط نستعلیق را که نزدیک بود فراموش شود احیاء کرده و اکنون حدود یکصد نفر گرد این فن شریف و هنر عزیز میگردند .

از نستعلیق نویسانی که در قرن چهاردهم میزیسته و یا هنوز در قید حیات هستند و وجودشان گرامی است نقل از تذکره خوشنویسان معاصر تألیف راه جیری :

شیخ محمد مجد ( مجد الکتّاب ) ، عباسقلی میرزا ذبیح السلطنه « باتمانقلیج » ، میرزا حسینخان مستوفی ، آقا سید مرتضی برغانی ، محمد حسین خوش نویسان ( خوشنویس باشی ) ، میرزا جبار خمسه ای ( مشکین قلم ) ، محمد باقر صنیاری ( فخر الکتّاب ) ، مهدی ایزدی ( دبیر خاقان ) ، احمد قوام ( قوام السلطنه ) ، آقا مرتضی

نجم آبادی ، علی مخصوص ( کاتب الخاقان ) میرعماد میر غلامشاهی (میرفندرسکی) ، علی منظوری حقیقی ، عباس منظوری ، محمد طاهر عمادی ، میرزا عبدالحسین منشی‌باشی ( نصرت ) ، حاج میرزا عبدالحمید ملک‌الکلامی (امیرالکتاب) ، حسن زرین خط ، مصطفی زرین خط ، علی اکبر کاوه ، محمد افضلی ، ابراهیم بوذری ، سید ابوالفضل موسوی کجوری ، جلال‌الدین اعتضادی ، غلامرضا موسوی ، دونفر اخیرالذکر مقیم مشهدند ، میرزا حسن - خان شیبانی مقیم کاشان ، میرزا حبیب‌اله فضائلی مقیم اصفهان ، مرتضی عبدالرسولی ، علی اکبر دبیر ، افضل‌الدین آذربید ، هادی مقبل ، علی اکبر مستوفی‌زاده ، سیدحسین میرهادی (قرآن را بخط نستعلیق نوشته است) ، مرتضی عبدالرسولی ، میرحسن میرخانی ، بلال رضا ، تقی حسامی ، جواد شریفی ، علی آقا حسینی ، علی ابریشمکار ، محمد ولی‌اله پروانه ، علی اصغر قره‌گوزلو یحیی جعفری ، منصور معالی ، محمدتقی کلکته‌چی ، عبدالله فرادی ، سیف‌اله یزدانی ، حاج شیخ عباس مصباح‌زاده ، فتحعلی داشقانی ، ادیس و فسی ، محمد سلحشور ، ناصر ماجدی ، جهانگیر نظام‌العلماء ، عباس آخرین ، غلامحسین امیرخانی ، علی راهجیری .

تردیدی نیست که خوشنویسان دیگری هستند که شناخته نشده‌اند و اشخاصی را که نامبرده‌ایم بعضی از آنان علاوه بر خط نستعلیق بخطوط دیگر از قبیل نسخ و ثلث و یا شکسته نیز آشنائی دارند کما اینکه نام چندتن از آنها در قسمت نسخ و ثلث یاد شده است .

امیدوار است با توجه وزارت فرهنگ و هنر ، بفن کتابت و خوشنویسی علاقه بیشتری مبدول شود و صنعت چاپ و ماشین‌تحریر این هنر ارزنده را نابود و مضمحل نسازد ، متأسفانه دانش آموزان و دانشجویمان کمتر بآن اعتنا و التفات

دارند در نتیجه خط آنان غالباً خواندنی نیست و تصور می‌رود که بعد از کتابت خودشان هم خط خود را نتوانند خوانند! و این ضایعه جبران ناپذیر خواهد بود.

### خط شکسته یا شکسته نستعلیق :

زیباپسندی و ظرافت طبع ایرانیان بایجاد خط نستعلیق قناعت نکرد و از قرن نهم خط دیگری ابتداءً وسیله درویش عبدالله سلطانی بنام شکسته نستعلیق بوجود آمد و بعداً میرزا حسن کرمانی و میرزا محمد شفیع موسوی الحسینی معروف به «شفیعا» در قرن ۱۱ آنرا دنبال و شاگردی مانند استاد عبدالمجید طالقانی متخلص به درویش و خموش (۱۱۵۰ - ۱۱۸۵) تربیت کردند که خط مزبور تماماً شکسته شد و بطوری در جوانی و سن کم این استاد مایه پیدا کرد که خط او تا حال دست بدست می‌گردد و شاگردان ممتازی مانند میرزا کوچک اصفهانی و محمد رضا ابن عبدالعزیز و فضلعلی بیک دنبلی و خواجه ابوالحسن خوشنویس فسائی ببار آورد بطوریکه خط میرزا کوچک اصفهانی از همه بخط استاد عبدالمجید شبیه تر شد و عده دیگری از نستعلیق و نسخ و ثلث نویسان مانند سیدعلی فسائی و احمد شاملو و میرزا حسن یزدی و میرزا غلامحسین اصفهانی و محمد حسین الحسینی ورشید بیگدلی و سید اسمعیل انجوی شیرازی و سیدعلی اکبر گلستانه و میرزا محمدحسین سیفی قزوینی ضمن حرفه خویش باین شیوه دست زدند و چون لازمه خدمت درباری حسن خط بود رجال قاجاری نیز در این راه قدم برداشت و شیوه‌های نوینی بوجود آمد که برخی از آنها فعلاً منسوخ شده است و از همه مهمتر سبک میرزا حسنعلی امیر نظام گروسی است که هنوز مورد توجه و پا برجاست .

از رجال دوره قاجار که خود دارای سبک خاصی بوده‌اند و منشآت آنان مورد توجه قرار گرفته و مراسلاتشان بصورت کتاب در آمده است میرزا

عبدالوهاب اصفهانی متخلص به نشاط و ملقب به معتمدالدوله، قائم مقام فراهانی، میرزا علیخان امینالدوله و حسنعلی خان امیر نظام گروسی است و شیوه امیر نظام از همه جالبتر است میگویند انشاء او بقدری سلیس و خط وی باندازه ای زیبا بوده که وقتی قلم دست میگرفت مطالب خود را بخط خوش و بدون مرور یکنواخت و یک قلم مینوشته و هیچگاه احتیاج بتجدید نظر و قلم بردن در آن و تغییر عبارات نداشته است.

#### صنعت چاپ (۱) و چاپخانه :

با اینکه در ۱۴۴۰ میلادی (قرن نهم هجری) وسیله گوتنبرگ (Guotenberg) آلمانی (۲) و شرکاء او چاپخانه سنگی در مایانس آلمان کشف و اختراع گردید مع الوصف تا قرن سیزدهم هجری در آوردن چاپخانه بایران مسامحه شد و آنچه قرآن و تفاسیر و کتب دینی و ادبی و تاریخی برشته تحریر در آمده است خطی بوده و یا در خارج ایران احياناً چاپ شده است و نخستین بار بسال ۱۲۳۲ زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار به تشویق عباس میرزا ولیعهد که فرمانفرمائی آذربایجان را داشت چاپخانه سنگی به تبریز رسید و برای آشنائی بطرز کار و عمل آن کسی را بمسکو فرستادند تا این حرفه را بیاموزد و بکار برد، چون چاپخانه مزبور به تهران حمل و فرستاده شد و مطبعه دیگری با حروف سربی سفارش داده شده بود از ۱۲۶۵ هجری ببعد برای چاپ کتاب و

۱ - بعضی لغت چاپ را از «چاو» چینی که عبارت از اسکناس است که روی چرم در چین معمول بوده میگیرند و این صحیح نیست و قول آقای استاد مجتبی مینوی که از چهار هندی گرفته شده اصح اقوال است. برای تفصیل این مبحث بشماره هشتم سال ۶ مجله یفما مقاله «کاروان معرفت» بقلم آقای مجتبی مینوی و لغت نامه دهخدا از ستون دوم ص ۴ شماره ۴۱ ذیل لغت (چاپ) رجوع شود.

(۲) بستون سوم ص ۵۰۰ حرف گ جزوه ۷۷ لغت نامه دهخدا رجوع شود.

روزنامه که غالباً هفته‌نامه یا ماهنامه بود و کمتر اتفاق می‌افتاد که شماره‌های آن از يك صد نسخه تجاوز کند از چاپخانه سنگی که فعلاً جای خود را بافت داده است استفاده میکردند و تدریجاً و کم کم چاپخانه با حروف سربی نیز بکار افتاد و چاپ سنگی متروک ماند.

امروزه در اکثر نقاط ایران چاپخانه‌های کوچک و بزرگ موجود و مورد بهره‌برداری است بویژه در تهران و در این عصر فرخنده پیشرفت محسوس در کار چاپ و چاپخانه فراهم و آخرین سیستم این صنعت تدارک و محل استفاده است و علاوه بر روزنامه‌های کثیرالانتشار کتب بسیاری همه ساله در همین مطابع در معرض چاپ و نشر قرار می‌گیرد و بعضی نسخ آن را چنان ارباب طلب از دسترس خارج می‌سازند که در اندک مدتی کمیاب یا نایاب میشود و تجدید چاپ آن گاهی به بیست یا سی بار رسیده و میرسد با اینکه بعضی از نسخ در هر بار کمتر از پنجهزار نسخه نیست و از این حیث دست کمی از سایر نقاط جهان نداشته و ندارد. سلیقه در انتخاب کاغذ و نحوه چاپ که خوب و مرغوب و بدون غلط باشد همچنین در تجلید و خوش طبعی نیز بمرحله کمال رسیده است و مایه نهایت خوشوقتی است. و برای آنکه گفتار ما بیش از این بدرازا نکشد در این قسمت هم که بیاد آوری اجمالی قناعت و بمقال پایان داده میشود.